

## جایگاه سرمایه اجتماعی در امنیت پایدار از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران

محمودفا درویش پور<sup>۱</sup>، اکبر کروندی مال امیر<sup>۲</sup>

### چکیده

اصطلاح سرمایه اجتماعی (Social capital) مفهومی است که در جامعه شناسی نوین مطرح است، اما در علوم دیگر نظیر اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و علوم اجتماعی نیز کاربرد وسیعی یافته است. سرمایه‌ی اجتماعی که اشاره‌ای، به نقش و تأثیر شبکه‌های مردم نهاد و حضور گروه‌های مردمی در مسائل مختلف است، در حوزه‌ی حفظ و تولید امنیت نیز مورد بحث قرار گرفته است و تا حدود زیادی امنیت پایدار متأثر از تأثیرگذاری و نقش آن است؛ گرچه این اصطلاح معلول فکر نظریه پردازان دهه‌های اخیر است ولی واقعیت آن است که فقه اسلامی و شیعی در حوزه کاربردی و با عناوین و اصطلاحات مشابه دیگری جایگاه سرمایه‌های اجتماعی را مورد تأکید قرار داده است. و منابع دینی در آیات، روایات و فقه پویای اسلامی در تقویت و ایجاد این میراث مهم همّت گماشته‌اند. این مقاله درصدد است تا مفهوم و ابعاد کاربرد سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد امنیت پایدار و مبانی ترویج آن را در آیات و روایات و فقه شیعی و حقوق موضوعه بررسی نماید.

**کلید واژه‌ها:** سرمایه اجتماعی، امنیت پایدار، فقه و حقوق.

### مقدمه

امنیت از جمله پدیده‌های قابل توجهی است که از نیازها و ضرورت‌های اساسی فرد و جامعه به شمار می‌رود و فقدان آن و یا اختلال در ایجاد آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران کننده و خطرناکی به دنبال دارد. علی رغم افزایش اهمیت امنیت در جوامع، ابزار، شیوه‌ها و رویکردهای ایجاد و حفظ آن دستخوش تحول حیرت‌آوری شده است. در جوامع گذشته اقتدار، کنترل و نظارت نهادهای رسمی، نماد قدرت و امنیت به شمار می‌رفت ولی در عصر جدید، عنصر اصلی ثبات، نظم و امنیت، مقدار سرمایه اجتماعی، میزان پای بندی به ارزش‌ها و هنجارهای جمعی و به فضایل اخلاقی آن بازمی‌گردد. بنابراین مدیریت درست و منطقی امنیت اجتماعی در جامعه منوط به ایجاد مشارکت مردمی و افزایش اعتماد به نهادها و حکومت در کلیه سطوح اجتماعی است. مشارکت و

حضور مردم (به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی)، احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقاء داده و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرارداد.

تحقیقات نشان می‌دهد که دولت به تنهایی قادر به تأمین امنیت نیست، بر این اساس محققان بر نقش جامعه مدنی در ایجاد امنیت تأکید دارند. این گونه رویکردها با مفهوم سرمایه اجتماعی در هم آمیخته است. سرمایه اجتماعی شامل جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کشش اجتماعی را تسهیل کرده و منابعی را جهت دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار آنها قرار می‌دهد. امنیت نیز یکی از نیازهای اساسی زندگی محسوب می‌شود، به طوری که سرمایه‌های اجتماعی از ابزارهای الزام آور و اجباری در امنیت محسوب می‌شوند.

سرمایه اجتماعی ماده خامی از جامعه مدنی است که از تعامل روزمره مردم به دست می‌آید و به ایجاد ارتباطات اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اصول اعتماد، همکاری متقابل و قواعد کنش اجتماعی می‌پردازد. اهمیت سرمایه اجتماعی در کنار وضعیت روابط همسایگی در لایه‌های مختلف، عامل مهمی در تبیین واریانس‌های احساس ناامنی در جامعه محسوب می‌گردد؛ از این رو آگاهی از میزان سرمایه اجتماعی اعضای یک جامعه و نقش آن در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی و مؤلفه‌های آن در قالب یک شناخت و مطالعه علمی - تخصصی ضروری تلقی می‌شود.

### بیان مسئله

یکی از منابع مهمی که می‌تواند در خدمت منافع و مصالح جامعه قرار گرفته و به عنوان اهرمی با ارزش در حل و فصل قضایا و تأمین امنیت پایدار در جامعه قرار بگیرد و حتی در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ جوامع نقش کلیدی بازی کند، تشکلهای و نهادهای مردمی است که در علوم جامعه‌شناسی و سیاسی به عنوان سرمایه‌های اجتماعی معروف شده است و عده‌ای از متفکران سیاسی غرب مانند کلمن و پاتنام آن را به شیوه‌ی نوینی در حوزه‌ی علوم جامعه‌شناسی و سیاسی طرح نموده‌اند.

اهمیت بررسی این نظریه و نقش سرمایه‌های اجتماعی در تحولات جوامع امری است که اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که دولت‌ها به تنهایی قادر به تأمین امنیت پایدار و حل و فصل بسیاری از مشکلات اجتماعی از قبیل اتفاقات ناگهانی چون سیل و زلزله، دعاوی قومی و عشیره‌ای و رسیدگی به امور فقراء و نیازمندان، دفع دشمنان خارجی و دفاع از سرزمین، نخواهند بود. سرمایه اجتماعی به عنوان بازوی توانمندی در موارد فوق می‌تواند دولت‌ها و مدیریت جوامع انسانی را در محدوده‌های خاص خود، حمایت و اهداف لازم را تأمین کنند. هر چند نقش و جایگاه این نهاد با ارزش در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی مکرر مورد تحلیل و مذاقه قرار گرفته است ولی از نظر حقوقی و به ویژه رویکرد فقه و حقوق اسلامی به این سرمایه، تحقیق قابل توجهی صورت نگرفته است. بررسی جایگاه این سرمایه‌ی مهم در منظر فقه و حقوق اسلامی و نقش آن از نظر سازندگی و توسعه بسیار حائز اهمیت است که تحقیق حاضر درصدد انجام آن است. به نظر می‌رسد جایگاه نهادها و سرمایه‌ی اجتماعی در فقه و حقوق اسلامی به خوبی تعریف شده است و فقه توصیه لازم به استفاده از این امر مهم را با تبیین جایگاه‌های آن نموده است. که لازم است مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

### تاریخچه بحث از سرمایه اجتماعی

از نظر تاریخی رَدپای ایده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را در آثار جان دیویی باید جست و جو کرد. به همین دلیل فلسفه‌ی جان دیویی را «عمل گرایی اجتماعی» نامیده‌اند.

وی در سال 1903 ایده‌ی مدرسه به مثابه یک «جامعه» را مطرح کردند. به این معنا که جامعه عبارت است از پیوندهای جمعی یا انجمنی که شبکه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی را امکان پذیر می‌ساختند و افراد را در پیوستگی با یکدیگر قرار می‌دادند. به علاوه ایشان به همدردی اجتماعی توجه ویژه‌ای داشت. اما اصطلاح «سرمایه‌ی اجتماعی» نخستین بار در سال 1916 توسط هاتیفن که به عنوان بازرس مدارس روستایی دولتی آمریکا بود به کار گرفته شد. وی در مقاله‌ای با عنوان «داستان موفقیت» این اصطلاح را به کار برد و منظور وی اموری چون رفاقت، دوستی، و همدردی متقابل و تعاملات اجتماعی درون گروهی افراد و

خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را می‌سازند، بود. پس از ایشان سیلی در بحث از عضویت حومه نشینان در کلوپ‌ها، جاکوبز در بحث تأثیر همسایگان در شهرهای بزرگ و لوری در حوزه‌ی اقتصاد آن نظریه را دنبال کردند. اما نخستین فردی که این نظریه را به صورت نظام یافته مطرح کرد پیر بوردیو بود که در علوم جامعه شناسی آن را بسط و تشریح نمود. دومین گام را جیمز کلمن در سال 1990 مطرح کرد.

پس از وی از سال 1993 به بعد پانتم به عنوان معمار مطالعات تجربی و نوآوری در سرمایه‌ی اجتماعی در این مورد مطالعات میدانی مهمی را انجام دادند او در رهیافت‌های نظری خود سرمایه‌ی اجتماعی را خصایصی از سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌ها» یافت که کارایی جامعه را با تسهیل همکاری‌های متقابل بهبود می‌بخشد. پس از ایشان نان لین، فوکویاما، امیل دورکیم و ... ب طرح ابعاد و جهات متعدد این نظریه پرداختند اما کسی که این بحث را در حوزه امنیت مطرح نمود و به بررسی و گسترش مفهوم امنیت پرداخت و مفهوم امنیت اجتماعی را طرح ریزی نمود باری بوزان بود؛ وی و همکارانش این توسعه مفهومی را از طریق توجه به ابعاد مختلف امنیت، شامل امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی انجام دادند. (مستنبط از مقاله محمدعلی اکبری، تابستان 1394).

### مفهوم شناسی

سرمایه در لغت به معنای پول، مال، تمول، ثروت، قابلیت و استطاعت است (معین، محمد «فرهنگ معین»، ج 2، ص 1873) اضافه شدن به «اجتماعی» اضافه‌ی اختصاصی است. به معنای پول، مال، تمول، و ... که متعلق به اجتماع است و در واقع برخاسته از اجتماع و متعلق به آنهاست و مراد از اجتماع انسانی و مردمی است که به صورت یک رابطه‌ی منسجم و پیوند منطقی بهم پیوند خورده و اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

اما در اصطلاح بسته به نوع کاربرد و انگیزه‌ی نظریه پردازان از طرح این مسأله، تعاریف متعددی از آن شده است. برخی با نگاه اقتصادی به تعریف آن پرداخته‌اند و برخی با نگاه سیاسی و برخی با نگاه امنیتی و ... پیر بوردیو آن را «منابع حقیقی یا بالقوه مرتبط با مالکیت و شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده براساس آشنایی و پذیرش متقابل می‌داند. (بوردیو، 1983) این دیدگاه بر جهت اقتصادی سرمایه‌ی اجتماعی تأکید دارد.

جیمز کلمن آن را تنوعی از موجودات با دو عنصر مشترک ساختارهای اجتماعی و تسهیل می‌شمارد. «تأکید بر عنصر انسانی سرمایه اجتماعی» است. (کلمن، جیمز: منوچهر صوری: 1344، ص 462)

پانتم سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین می‌کند. پانتم: بر بُعد سیاسی و اجتماعی و تأثیر آن در توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی تأکید دارد. (پانتم «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی» به کوشش تاجبخش کیان، ص 95)

فوکویاما نیز آن را نوعی هنجار اجتماعی می‌داند که موجب تقویت روابط دو یا چند نفر می‌شود. و اعتماد در شبکه‌های ارتباطی و جامعه مدنی محصول سرمایه اجتماعی است. (فوکویاما، فرانسیس، پایان نظم؛ سرمایه‌های اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلامعباس توسلی: 1379، ص 10)

در فقه اسلامی تعریفی از اصطلاح «سرمایه‌ی اجتماعی» وارد نشده است. چون این اصطلاح ساخته و پرداخته جامعه شناسان قرون نوزده به بعد است. هر چند عناوینی چون تأکیدات اسلام و فقه اسلامی بر «اصل تعاون» «صل مشارکت» و «اصل مسئولیت پذیری اجتماعی» یا تکلیف عمومی می‌توانند معادل‌هایی برای سرمایه اجتماعی باشند اما تعریف بخصوصی در این مورد وارد نشده است. اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی را در عناصر آن مانند رابطه و وحدت اجتماعی، هنجارها و کنش‌های رفتاری که سبب ایجاد رابطه و اعتماد که سبب دوام و استمرار رابطه‌های اجتماعی و همبستگی‌های ملی در حل مشکلات جامعه می‌شود در آموزه‌های دینی به طور وسیع یافت. مباحث گسترده‌ی فقه اسلامی در حوزه‌ی تکلیف به وحدت و یکپارچگی حول محور «الله» در

مسائل مختلف و ضرورت مسئولیت پذیری اجتماعی را به وفور می توان در آیات و روایات و احکام فقهی پیدا کرد که در جای خود بدان پرداخته می شود.

### مفهوم امنیت پایدار

امنیت در لغت به معنای ایمن شدن، در امان بودن، بی بیمی است. (معین، محمد، «همان»، ج 1: ص 354). اصطلاحاً ایمنی و احساس امنیت، از عواطف و احساسات زیربنایی و حیاتی برای حصول بهداشت روانی و اجتماعی است، بنابراین احساس امنیت که معطوف به جنبه ذهنی و روانی انسانهاست، در یک طبقه بندی کلی به معنای فقدان ترس و نگرانی در ابعاد مالی، جانی و فکری - روانی برای خانواده است (پور مؤذن، 1389: 111)

در فقه تعریف روشنی از امنیت نشده است. اما در مقام تبیین فلسفه احکام، علماء معتقدند که همه احکام شریعت اعم از عبادیات و عقود ایقاعات و جزائیات و ... تابع مصالح و مفاسد هستند هدف از احکام شریعت (اوامر و نواهی) را ایجاد و حفظ مصالح قلمداد کرده و معتقدند احکام شرع درصدد تأمین و حفظ پنج مصلحت هستند. 1- حفظ جان 2- حفظ دین 3- حفظ عقل 4- حفظ نسب 5- حفظ مال (عاملی، محمد، ج 1: 39). در اینجا واژه «حفظ» همان مفهوم امنیت را می سازند این بناء و اصل شریعت بر امنیت است. و ابعاد امنیت چه به صورت فردی و چه اجتماعی دارای ابعاد پنجگانه ای فوق است. پس مفهوم امنیت در گفتمان فقهی، همان حفظ و نگهداری از مبانی ارزشی و متعلقات آنهاست. که از جان تا مال و کیان و شرف و فرهنگ و جغرافیای زندگی انسان را شامل می شود.

### امنیت از دیدگاه اسلام

امنیت از ضروری ترین نیازهای بشر از آغاز زندگی اوست. تداوم حیات، آرامش زندگی، امکان تعالی انسان در ابعاد مختلف زندگی و توسعه ای اجتماعات و اقتصاد و مدنیت بشر و بهره‌وری لذت بخش از زندگی در ابعاد مادی و معنوی آن مرهون عنصر با ارزش امنیت است.

لذا، هیچ فرد و اجتماعی خود را بی نیاز از امنیت ندانسته و هیچ تفکر و اندیشه‌ای نیست که نسبت به امنیت بی تفاوت بوده و به ضرورت آن اذعان ننماید. تفکر الهی و دیدگاه الهیون که متجلی ترین آن در آیات قرآن متبلور است نیز همواره به لزوم این مهم تأکید نموده است. تا آنجا که در ساحت و انگیزه بعثت انبیاء و تأسیس خانه‌ای به نام خانه‌ی خدا را ایجاد فضای امنیت و آرامشی برای انسانهای معتقد قرار داده است در آیه‌ی شریفه 125 سوره‌ی بقره آورده است. «إِذَا جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا» انجا (کعبه) را چون خانه‌ی امنی برای مردم قرار داده است یا در آیه 67 عنکبوت آورده است: «جَعَلْنَا حَرَمًا أَمِنًا». دعای حضرت ابراهیم (ع) نیز ایجاد شهری امن و آرمانی بوده است لذا قرآن از زبان ایشان می فرماید: قال ابرهیم: رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ أَمِنًا» (بقره/126)

در آیه‌ی 112 سوره‌ی نحل شهر امن و امنیت را از مصادیق آرمانی و توسعه یافته‌ی بشری معرفی می کند. «و ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ أَمِنَةً مَطْنَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ مَّكَانٍ ...» خداوند نمونه‌ای از شهری امن را مثال می زند که به دلیل امنیت رزق آن از هر طرف به وفور فراهم است...»

امنیت از جهت متعلق نیز اقسامی دارد از جمله: امنیت روانی و فکری، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی، امنیت بهداشتی و ....

در اندیشه‌ی فقهی، ملاک و متعلق امنیت امور پنجگانه‌ای است که در بحث مفهوم امنیت بیان شد. بعضی تقسیم امنیت براساس متعلق آن بر 5 محور است. حفظ جان، نفس، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسب و حفظ مال. که همه‌ی این موارد می تواند فردی باشد یا اجتماعی.

حفظ نفس معادل امنیت جانی است که از مصادیق امنیت فردی است. که مباحث دفاع شروع طریق حفظ جان است.

حفظ دین معادل امنیت فرهنگی و اندیشه است. مباحث مربوط به عبادات و جهاد در مسیر حفظ دین است. حفظ عقل معادل امنیت روانی و بهداشتی است. دستورات اسلام به رعایت مسائل اخلاقی مانند دوری از غیبت، تهمت، شایعه، قذف و نیز بسیاری از دستورات شرعی در مورد خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها در راستای ایجاد امنیت روانی و بهداشتی است و همچنین توصیه‌های دین به لزوم تحصیلی علم و تهذیب اخلاق.

حفظ نسب و ناموس که با احکام نکاح و ازدواج ضروری شمرده شده است هر چند در اندیشه‌ی متفکران نظریه‌های امنیت نادیده گذاشته شده است ولی در اسلام از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است و زیربنای امنیت اجتماعی و اخلاقی است. و حفظ مال، از مصادیق امنیت اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. و امنیت فرهنگی که دفاع از حریم دین و ارزش‌های دینی است و امنیت اجتماعی در مقابل عوامل تهدید کننده داخلی و خارجی از مهمترین مصادیق امنیت از دیدگاه اسلام، که حفظ اجتماعی مسلمانان و کیان اسلام در همه‌ی شرایط بر تک تک افراد جامعه‌ی اسلامی واجب است.

امام خمینی(ره) در این رابطه می‌فرماید: «شما توجه داشته باشید چه پاسداران و چه سایر قوای انتظامی و نظامی و غیر انتظامی و چه سایر ملت همه توجه داشته باشند که ما وظیفه داریم این اسلام که الان به ما رسیده است حفظش کنیم، تا آن فرد آخری هم که خدای نخواستہ کشته می‌شود مؤلف برای حفظ اسلام، برای دفاع از ملت، دفاع از کیان اسلامی، دفاع از کشور اسلامی تا آخر زن و مرد، بچه و بزرگ مکلفند که دفاع کنند. مسأله‌ی دفاع یک امر عمومی است. هر کس قدرت دارد به هر مقداری که قدرت دارد از کشور و اسلام باید دفاع کند. اسلام و احکام اسلام آنقدر اهمیت دارد که پیامبران برای احکام خدا و برای خدا خودشان را فدا کردند و در اسلام از صدر اسلام به بعد بزرگان اسلام خودشان را فدا کردند. اسلام امانتی است که از جانب خدای تبارک و تعالی به ما سپرده شده است، همه‌ی ما برای حفظش موظفیم... (صحیفه‌ی امام، ج 15، ص 98)

به هر حال، اسلام نماد فرهنگ جامعه و کشور اسلامی نماد ملیت مسلمان است که حفظ و امنیت آنها از همه‌ی ابعاد امنیتی مهمتر است. احکام فقهی که در باب جهاد، دفاع مشروع، قضاء و شهادت وارد شده است برای ایجاد فضای امنیت داخلی و خارجی در حوزه‌ی دین و اجتماع مسلمانان وضع شده است.

آیت الله نائینی ضمن تقسیم نوع حکومت‌ها به حکومت‌های ولایتیه و تملیکیه.(نائینی، محمدحسین، تنبیه الامة و تنزیه الملّة، ص 44-41). ضمن غیر مشروع دانستن حکومت تملیکیه که همه چیز و همه کس را ملک خود تلقی می‌کند و با نگاه مالکانه به جامعه و کشور می‌اندیشد نوع حکومت ولایتیه را تأیید و آن را به عنوان امین مردم تلقی می‌کند. در چنین حکومتی حاکم خود را امین و ولی مردم تلقی کرده که تمام توان و استعداد خود را در جهت حفظ و امنیت جامعه و مردم به کار گرفته و از هرگونه افراط و تفریط و تعدی که تهدید کننده حقوق مردم و جامعه‌ی انسانی شود بر حذر می‌باشد؛ لذا وظیفه‌ی تأمین عدالت در گام اول به عهده‌ی حاکم و ولی مردم است اما در عین حال سرمایه‌های اجتماعی و پتانسیل‌های مردمی به عنوان بازوان حکومت و حاکمیت هواره در جهت تأمین عدالت و امنیت مردم، مؤثر و ضروری دانسته شده است.

از مهمترین اهداف انبیاء از زبان قرآن ایجاد عدل و قسط است. عدل به معنای ایجاد فضایی که هرکس بتواند به حقوق خودش دست پیدا کند و به احدی ستم نشود. این صفحه دیگر امنیت است. یعنی امنیت حاصل حکومت عدل و قسط است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». «همانا فرستادگانمان را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان را فرو فرستادیم تا زندگی مردم بر پایه قسط استوار گردد». (حدید/25)

پیغمبر(ص) در سوره‌ی شوری آیه‌ی 15 م‌فرماید: «وَقُلْ آمَنْتُ بِهَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمْرٌ لِأَعْدَلَ بَيْنَكُمْ». در روایات معصومین(ع) نیز جایگاه برجسته‌ای برای امنیت متصور شده است. از رسول اکرم (ص) آمده است: «هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش را دارد جهان سراسر مال اوست.» (نهج البلاغه/ ص 59)

امام علی(ع) یکی از دلایل پذیرش حکومت را از طرف خود تأمین امنیت می‌داند. (نهج البلاغه/ خ 131) در غررالحکم آمده که هیچ نعمتی گوارتر از امنیت وجود ندارد.(تمیمی آمدی، عبدالواحد، «همان»، ج 4، ص 100)

اهمیت امنیت در فقه اسلامی تا آنجا مهم دانسته شده است که می‌توان تمام مباحث فقه اسلامی را در محدوده‌ی امنیت تبیین نمود. چون ناامنی و تهدید امنیت جامعه یا از ناحیه‌ی افراد اجتماعات داخلی است و یا از ناحیه عوامل برون مرزی. از جهت اول فقه اسلامی احکام عبادی و اخلاقی را در جهت ساختن افراد و تربیت فکری و ذهنی آنها قلمداد نموده است. از جمله‌ی این احکام امر به معروف و نهی از منکر است که یک رسالت عمومی تلقی شده است و همه را در مقابل یکدیگر مسئول تربیت همدیگر و حراست از امنیت محیط زندگی نموده است. گاهی ناامنی ناشی از نیازهای اجتماعی و اقتصادی است. از این جهت فقه اسلامی مقررات اقتصادی بر مبنای تعاون و مساعدت نیازمندان از قبیل صدقه، انفاق، قرض و دستگیری از نیازمندان را قلمداد نموده است. گاهی تهدید امنیت از جهت نبود مقررات یا عدم تبیین حدود و ثغور مقررات است. مباحث مهم و گسترده‌ای از فقه در راستای تبیین مقررات و مراودات اجتماعی از تشکیل کانون زندگی در قالب احکام نکاح و طلاق تا عقود و مقررات مربوط به معاملات و مشارکت‌های اقتصادی است. و گاهی ناامنی‌ها ناشی از خوی تجاوز طلبی انسان‌هاست که در این صورت مقررات حدود و دیات و تعزیرات و احکام حقوق کیفری را تدوین نموده است. در مواردی که تهدید امنیت از ناحیه‌ی عوامل برون مرزی باشد احکام جنگ و جهاد و صلح و معاهده و دفاع مشروع را تبیین نموده است. پس می‌توان تمام احکام فقهی را در حوزه تلاش برای تأمین امنیت قلمداد نمود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: برابر اصل 176 شورایی به نام شورای عالی امنیت ملی تشکیل شده است که وظیفه‌ی او صرفاً حراست و حفاظت از امنیت جامعه و ملاحظه‌ی استعدادهای موجود جامعه برای مقابله با تهدیدات است. تمام اصول قانون اساسی در مورد امنیت و حمایت از افراد (امنیت فردی) گویای جایگاه مهم امنیت در منظر حکومت اسلامی است.

### ابعاد امنیت

امنیت به جهات متعدد می‌تواند اشکال و ابعاد متفاوتی داشته باشد. از نظر موضوع می‌توان امنیت را به فردی و اجتماعی (عمومی) تقسیم کرد. موضوع امنیت فردی، حقوق افراد جامعه است. یعنی هر فردی به طور طبیعی یا به حسب قانون دارای حقوقی است که با کسب آن حقوق می‌تواند به آرامش و امنیت زندگی خود جامعه‌ی عمل ببوشاند. این که مانعی در رسیدن و دستیابی به آن حقوق وی را تهدید نکند دارای امنیت خواهد بود. مثلاً انسان حق حیات دارد حق اظهار عقیده کند، حق دارد شغل مورد نظر خود را انتخاب کند و در آن راستا فعالیت کند، در انتخاب محل زندگی‌اش آزاد است. حق مالکیت و حق کرامت انسانی دارد. گذشته از آن که توان انسانها در رسیدن به حقوق فوق متفاوت است، اگر انسان در مسیر فعالیت خود برای رسیدن به این حقوق از طرف عوامل بیرونی احساس تهدید نکند دارای امنیت است.

امنیت عمومی: مرجع امنیت عمومی، حقوق شهروندی است. در هر جامعه‌ای هنجارهایی وجود دارد که به جهت اعتقادی یا به جهت قانونی برای شهروندان آن جامعه وجود دارند. اگر فضای عمومی جامعه به گونه‌ای باشد که ارزش‌های عمومی و هنجارهای جامعه از طرف افراد جامعه دچار آسیب و یا تهدید به آسیب نشوند گفته می‌شود امنیت عمومی برقرار است. اگر جان، مال، ناموس و آبروی افراد جامعه برای زندگی در جغرافیای زندگی خود در امنیت کامل باشند گفته می‌شود امنیت عمومی برقرار است. امنیت عمومی حاصل احساس امنیت یکایک افراد، خانواده‌ها و جمعیت جامعه است. عوامل تهدید کننده ممکن است قربانی‌های خود را به صورت فرد، فرد جامعه انتخاب کنند مثلاً راه زنان یا دزدانی پیدا شوند که هر روز فردی یا خانواده‌ای یا مکانی را مورد تعرض قرار دهند یا ناموسی را هتک کنند. گاهی نیز قربانی خود را جمعیت‌ها قرار می‌دهند. مثلاً نژادپرستی، فرقه گرایی، نسل کشی توسط سردمداران زردو قدرت، اقدام به کوچ اجباری جمعیت‌ها تحت فشار قرار دادن اقلیت‌های دینی و ... در این صورت اجتماعات و جوامع، دارای درد مشترک ناامنی خواهند بود. برخی این مشکل از ناامنی را ناامنی اجتماعی می‌دانند که عنوانی غیر از ناامنی عمومی تلقی می‌شود. (آشوری، داریوش: 1387، ص 38 و نویدنیا، منیژه: 1384، فصلنامه شماره 2 و 3)

امنیت از نظر جغرافیائی تقسیم می‌شود به امنیت داخلی (درون مرز) - امنیت خارجی (امنیت ملی)

امنیت داخلی: نوعی احساس رضایت و آرامش است که از جهات مختلف بر فضای داخلی کشور و جامعه‌ی متحد فراهم است. امنیت داخلی زمانی حاصل می‌شود که مردم به لحاظ تحقق ارزش‌های مورد قبول و پذیرفته جامعه، به لحاظ اقتصادی،

آسیب‌های تهاجمی مانند شرارت و هتک حرمت حریم‌ها و ... در آرامش باشند. مسئول ایجاد امنیت داخلی دول‌ها و اهرم‌های قدرت هستند. نقش پلیس در این مورد نقش برجسته و مهمی است.

امنیت داخلی حاصل پایبند بودن همه‌ی افراد جامعه و سرمداران دولتی به اصول و وظایف حقوقی و انسانی خود هستند. هرج و مرج‌های اخلاقی، اقتصادی، نفوذ عوامل بیگانه و تأثیرگذاری سیاسی یا اعتقادی علیه هنجارهای جامعه آشوب و فتنه و .. از عوامل تهدید کننده امنیت داخلی هستند

امنیت خارجی: حالتی است که مردم یک کشور از جهت نفوذ بیگانگان و عوامل دشمن در کشورها ایمن باشند. شکسته شدن مرزهای کشور توسط عوامل نفوذی و ورود آنها به قصد تهدید منافع ملی یک کشور از عوامل شکننده‌ی امنیت است که در شمار ناامانی خارجی تلقی می‌شود. مسئول حفظ امنیت خارجی نیز پلیس سیاسی است. «گاهی قدرتهای نظامی دیگر مثل ارتش و سایر قوای نظامی و امنیتی در این زمینه مسئول ایفای نقش هستند.

امنیت ملی: حالتی است که ملتی از تهدید خاک، جمعیت، منافع خود توسط دولت‌های خارجی ایمن باشد. در واقع امنیت ملی روی دیگر سکه‌ی امنیت خارجی است.

امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی: امنیت منطقه‌ای آن است که کشورها هم جوار در یک منطقه مانند خاورمیانه، یا منطقه خلیج فارس از تجاوز به سرزمین و مرز همدیگر در امنیت باشند چنانچه پدیده‌ی امنیت جهانی شود و قدرت‌های جهانی به نوعی تعادل و تعامل دست پیدا کنند به گونه‌ای که هیچکدام تهدید کننده منافع یا مرزهای دیگری نباشد امنیت بین‌المللی حاصل شده است.

امنیت سایبری: با رونق و توسعه‌ی فضای مجازی و امکان تهاجم فرهنگ، و اندیشه‌ها در مبارزه و ایجاد فضای معارضه علیه یکدیگر، فضای به پهنا و بلکه وسیع‌تر از فضای جغرافیایی کشورها بوجود آمده است. که شاید تأثیرد جنگ و نبرد و تهدید امنیت و سلامت و آرامش جوامع از طریق فضای مجازی شدیدتر از منازعات جغرافیایی حقیقی باشد لذا رصد چنین فضایی نیز مستلزم تأمین امنیت است. امروزه در هر کشوری مجموعه‌ای از قدرت نظامی تحت عنوان پلیس سایبری یا فتا مسئول کنترل و مدیریت این فضا است تا امنیت مردم مورد تهدید قرار نگیرد نقش تهدید کننده و تخریبی این فضا، از فکر و اندیشه تا تمام استعدادهای فیزیکی جامعه است.

## بررسی بحث

### ارکان و عناصر سرمایه‌ی اجتماعی

تعریف سرمایه‌ی اجتماعی در مباحث پیشین گذشت، اکنون با طرح بحث از ارکان و عناصر سرمایه وارد بحث جایگاه سرمایه‌ی اجتماعی در فقه و حقوق می‌شویم:

نظریه پردازان تئوری سرمایه‌ی اجتماعی همواره بر سه عنصر اساسی به عنوان خمیرمایه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی تأکید دارند. 1- انسجام یا شبکه‌های مردمی 2- اعتماد به عنوان پیوند دهنده و عامل شکل دهنده‌ی اجتماع 3- مشارکت و همکاری در جهت تحقق آرمان‌ها و خواسته‌هایی که در جمع درصدد آن هستند. (جیمز، کلمن، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، 1377 و فوکویاما، فرانسیس، پایان نظم: سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلامعباس توسلی، 1385 و ...)

به علاوه عنصر چهارمی نیز قبل از این عنصر وجود دارد که عامل اساسی بنیادین شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی است و آن عبارت است از: انگیزه و هدفمندی سرمایه‌های اجتماعی. مال نیستند و جنبه‌ی مالی ندارند اما اعتبار و پشتوانه‌ی مهمی هستند که می‌توان در کنف آنها فعالیت‌های اقتصادی، علمی و آموزشی، بهداشتی و امنیتی را به نتیجه مطلوب رساند گرچه تأکید مؤلفین و نظریه پردازان بر سرمایه‌های اجتماعی شبکه‌های مردمی است اما گاهی افراد و موضوعات و مواردی نیز می‌توانند سرمایه‌ی اجتماعی و مؤثر بر امنیت محسوب شوند. مثلاً کاریزما بودن و تشخیص فردی به جهت جایگاه و منزلتی که جامعه برای او قائل است و نیز به جهت توانمندیهایی که دارد خود یک سرمایه‌ی اجتماعی و یک اعتبار اجتماعی است مثلاً بزرگ خانواده، بزرگ قوم،

شخصیت‌هایی مانند شاعری خاص، هنرمندی خاص، مورخی معروف و مبارزی مردمی و انقلابی که خمیرمایه ایجاد رفتار و حمایت از هنجارها هستند خود یک سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شوند. اما در مباحث سرمایه‌های اجتماعی بیشتر تأکید بر شبکه‌هایی انسانی و مردم نهادی است که بتواند با مشارکت و همکاری در مسیری از نیازهای جامعه گام بردارند.

در چنین مواردی انگیزه و هدفمندی مهمترین عنصر شکل‌گیری اجتماع و مشارکت افراد اجتماع با یکدیگر است. بنابراین عوامل و ارکان اصلی شکل‌گیری اجتماعاتی که بتوان از آنها سرمایه‌ی اجتماعی نام برد عبارتند از: اجتماعات و شبکه‌های مردمی، اعتماد متقابل، مشارکت، و هدفمندی است. هدفمندی عنصر محرک افراد برای تشکیل اجتماع هستند. اعتماد ضامن همکاری و مشارکت و مشارکت ضامن بقای شبکه و یا سرمایه‌ی اجتماعی است. لذا می‌توان میزان تأثیر و دوام این شبکه‌ها را مرهون سطح هدفمندی دانست.

نظریه پردازان سطح هدف را به دو صورت معرفی نموده‌اند:

الف) کمال جوئی (و حرکت در جهت امیال فطری و انسانی) ب) ابزاری (و استفاده از شبکه برای رسیدن به مقاصد و نیازمندیهای موردی جامعه) (فصیحی، امان الله، «دین و سرمایه‌ی اجتماعی» 1386: شماره 123)

تعریف کمال به ایدئولوژی افراد وابسته است. عده‌ای کمال را در تحقق آرمانها و ارزش‌های دینی و اعتقادی می‌دانند. و عده‌ای آن را در تحقق ارزش‌های مآلی و عده‌ای رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی یا اقتصادی می‌دانند. اما کمال از نظر اندیشه دینی و فقه اسلامی تحقق بخشیدن به آرمان‌های توحیدی و عمل به فرائض و تکالیف الهی می‌باشد. به تعبیر قرآن کمال انسان آن است که خلیفه‌ی الهی در زمین باشد («إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» بقره/30) مراد آن است که انسان در زمین خود را موظف به تأمین خواسته‌های خداوند که در چهره‌ی شریعت به دست بشر رسیده است ضامن بداند.

نظریه پردازان غربی با نگاه ابزاری به سرمایه‌های اجتماعی نگریسته‌اند به این معنا که برخی، هدف از سرمایه‌های اجتماعی را تحقق نیازهای اقتصادی و توسعه‌ی اقتصادی جامعه دانسته‌اند.

و برخی آن را در حوزه‌ی حل مشکلات بهداشتی یا آموزشی و عده‌ای آن را در حوزه امنیت تعریف کرده‌اند. اما در دیدگاه دینی و اندیشه‌ی فقهی این موارد مسیر کاربردی سرمایه‌های اجتماعی هستند ولی انگیزه‌ی اصلی از تحقق شبکه‌ها و اجتماعات، گرچه به صورت کاربردی کمک به توسعه‌ی اختصاصی، حل فقر و مشکلات مادی مردم، آموزش و بهداشت، ایجاد امنیت است اما در نهایت باید صرفاً با نگاه و انگیزه‌ی کمال جوئی و کمال خواهی و تحقق آرمانها و ارزش‌های دینی باشد. همچنین در حقوق و آئین دادرسی فعلی ایران نیز راهبردهای حقوقی در تحقق سرمایه اجتماعی پیش بینی و اجراء گردیده که در ادامه اشاره خواهد شد.

## فقه و سرمایه‌های اجتماعی

در مباحث پیشین بیان شد که تمام احکام شریعت در جهت حفظ مصالح پنجگانه است. و مراد حفظ همان امنیت است. یعنی ایجاد فضائی امن برای محفوظ ماندن جان و نفس، آبرو و حیثیت انسان، مال و سرمایه‌ی او، و بالاخره کیان و دین و اعتقادات اوست. برای این که ارزش و منزلت احکام مختلف فقه اسلامی را در راستای ایجاد امنیت همه جانبه‌ی جغرافیای انسانی بدانیم بهتر است ابتدا عوامل تهدید کننده‌ی امنیت را مرور کنیم سپس راهکارهای فقه اسلامی برای مسدود کردن مجاری تهدید امنیت را بیان نمائیم.

عوامل تهدید امنیت: عوامل تهدید کننده امنیت را به سه دسته تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:

- 1- تهدیدهای طبیعی مانند سیل، زلزله و 2- عوامل تهدید کننده غیرعمدی مانند اشتباهات و خطاهای سهوی و ناخودآگاه
- 3- عوامل تهدید کننده عمدی: عواملی هستند که ناشی از اراده و تصمیمات انسانها است. (رضائی، ..... مفهوم امنیت و تهدیدهای امنیتی، 2017)

دامنه‌ی این دسته از عوامل گسترده است. گاهی عوامل تهدید کننده امنیت داخلی هستند و گاهی تهدید کننده امنیت بیرونی هستند. گاهی تهدید اموال است مانند دزدی، غصب، اختلاس، رشوه و ... گاهی تهدید کننده جان و جسم است. مانند

جنايات و تهديددهای جنایی؛ گاهی تهديد کننده آبرو و حيثيت است مانند افترا، تهمت، جرائم منافی عفت، و گاهی تهديد کننده محیط زندگی و امنيت جغرافیایی انسان هستند مانند محاربه، آشوبهای داخلی و ...

گاهی جرائم سیاسی و منافی امنيت سیاسی جامعه است مانند جاسوسی، نفوذ عاظم بیگانه و ... گاهی نیز امنيت خارجی و برون مرزی در تهديد است مثل نفوذ دشمن در مرزها یا مخاطره منافع کشور توسط دشمنان برون مرزی.

این تهديدات گاهی در فضای حقیقی انجام می‌گیرد مانند جنگ، ترور، بمب گذاری، تمسک به خشونت و ... و گاهی در فضای مجازی و از طریق رسانه‌های مرسوم، گاه سخت افزاری است و گاهی نرم افزاری مانند تهديددهایی که از طریق شایعه، فرافکنی، تبلیغات مسموم و فساد و فحشاء، ترویج بی‌اعتقادی، تبعیض، رواج بی‌اعتمادی و ناامیدی در جامعه و ... علیه امنيت جامعه انجام می‌پذیرد.

براساس ابزارهای فوق و هدف تهديد کنندگان امنيت است که امنيت به اقسام مختلف، فردی، اجتماعی، بهداشت و روانی و فرهنگی، سیاسی، اقتصادی تقسیم می‌شود.

میراث نقلی اسلام از قبیل آیات و روایات و نیز اندیشه فقهی اسلام هم در حوزه‌ی معرفی و آسیب شناسی عوامل تهديد و هم در حوزه‌ی کیفیت پیشگیری و ممانعت از وقوع این عوامل و نیز از جهت کیفیت مقابله با این عوامل در صورت بروز دستورالعمل‌ها و قوانین و قواعد متعددی را بیان نموده است که شاید در ظرفیت این مقاله بینجامد. اما آنچه در فقه اسلامی می‌تواند تحت عنوان سرمایه‌های اجتماعی در برخورد با این تهديد و مقابله‌ی با آنها تلقی گردد در حوزه رسالت این نوشتار است که به طور اختصار بیان می‌گردد.

الف) توصیه به تشکیل اجتماعات و وحدت و همبستگی: سخن از وحدت و همبستگی جوهره‌ی دین مبین اسلام است زیرا به اعتقاد اسلام انسان اساساً موجود است که بالفطره اجتماعی خلق شده است و حل مشکلات و معضلات همواره در اجتماع بوده و توسعه‌ی زندگی و تکامل معنوی انسان در اجتماعات و ارتقاء سرمایه اجتماعی محقق می‌شود. آیات و روایات و سخن حکیمان در این مورد فراوان است که به چند مورد بسنده می‌شود:

قرآن ضمن توحید به وحدت، جهت و مسیر وحدت را نیز به صراحت بیان می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» (ال عمران/ 103)

ولا تكون كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاء هم البينات و اولئك لهم عذابٌ عظيمٌ إنما المؤمنون إخوةٌ فاصلحوا بين أخويكم و اتقوا الله لعلكم ترحمون. (حجرات/ 10)

حتی این وحدت را بالاتر از امت اسلامی در سطح بین المللی فرا می‌خواند منتهی به شرط حفظ ارزش‌های دینی که مهمترین آن اعتقاد به توحید و یگانگی است.

قُلْ يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمةٍ ..... (آل عمران/ 64)

از زبان گهر بار پیغمبر (ص) نقل شده است که فرموده‌اند: «الجماعة رحمة الفرقه غذاب» (نهج البلاغه/ حکمت 3) مراد از رحمت همان امنيت و آرامش است و مراد از عذاب، ناامنی و رنج و خصومت است.

از امام علی (ع) نقل شده است که فرموده‌اند: بپرهیزد از جدایی زیرا هر کس از دایره اتحاد جدا شود طعمه شیطان می‌شود همانطور که گوسفند تنها طعمه گرگ می‌شود (ابن ابی شیبه، المصنف، 8/627)

احکام فقهی اسلام که مبتنی بر اجتماع و مشارکت است

الف) در حوزه‌ی عبادات

(طوسی، محمد، «المبسوط فی فقه الامامیه»، ج 1، ص 152 و موسوی الخمينی، روح الله، «توضیح المسائل»، ص 189 و

جامع مدارک فی شرح المختصر، ج 1، ص 470)

1- نماز جماعت: فقها به استناد روایات متعددی (بحارالانوار، ج 85، ص 15 و ثواب الأعمال، ص 343) آورده‌اند که ارزش نماز

که از وظایف عبادی و واجبات این مبین اسلام است و پذیرش الهی احکام در گروه پذیرش و قبولی آن است با جماعت ارزش ویژه

و فوق العاده‌ای پیدا می‌کند. گفته شده اگر نماز واجب با جماعت بیش از ده نفر گزارده شود ثواب آن به قدری است که حساب آن را جز خدا کسی نمی‌تواند محاسبه کند. (مستدرک الوسائل، ج 1، ص 487 در رساله حضرت امام خمینی (ره) مسأله 1400)

2- نماز جمعه: شرط نماز جمعه آن است که به جماعت خوانده شود. فقهاء عموماً نماز جمعه را تکلیفی عبادی و سیاسی تلقی کرده‌اند که انجام آن فقط به جماعت است. (حلی، حسن، «نهایة الاحکام»، ج 2، ص 22 و حلی، جعفر، «شرايع الاسلام»، ج 1، ص 85)

در نماز جمعه مؤمنین حاضر می‌شوند و با دو خطبه‌ای که امام جمعه اقامه می‌کند در مسائل مختلف آگاهی می‌یابند و برای حل مشکلات و عوامل تهدید کننده امنیت چاره‌اندیشی می‌شود.

3- مناسک حج: بزرگتر اجتماع مسلمانان جهان است. تمام فرقه‌های مسلمانان در مناسک حج همه عقیده و هم رنگ شده و یک صدا و یک پارچه یک فریاد را برمی‌آورند. در حج مسلمانان گرد هم می‌آیند تا از امور همدیگر مطلع شده و برای حل مشکلات همدیگر تعاون و همکاری نمایند امام همدینی در این مورد می‌فرماید: «حج عرصه نمایش و آیینی سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است». «ای گویندگان و نویسندگان در اجتماعات بزرگ عرفات و شعر و منا، مکه معظمه و مدینه منوره مسائل اجتماعی و سیاسی مناطق خود را به گوش برداران ایمانی برسانید و از هم طلب نصرت کنید».

4- نماز پرشکوه روزه داران در عید فطر و حاجیان در عید قربان با جماعت است. تأکید بر حضور جماعت و اجتماع مسلمین در همه موارد فوق بخاطر آن است که: اولاً پیوند میان موحدین مستمر حفظ شود 2- از امور همدیگر اطلاع حاصل شود. 3- نیازهای همدیگر اعلام و رفع نیاز شود. 4- این محافل در واقع سرمایه‌های عظیم و بی‌بدیل اجتماعی و شبکه‌های مردمی هستند که ..... بر محور اعتقاد و ایمان و خلوص شکل می‌گیرد مهمترین ابزار حل مشکلات و ایجاد فضای امن و اطلاع از عوامل تهدید و تلاش جمعی برای مقابله با آنهاست. و علاوه نمایش بزرگ اجتماعات مسلمین است که خود می‌تواند از عوامل سرمایه اجتماعی و پیگیری از تهدیدهای خارجی تلقی شود.

5- امور حسبی: در فقه پاره‌ای از امور وجود دارد که به امور حسبی معروفند. این امور چیزهایی هستند که به هیچ وجه نباید معطل گذاشته شوند. می‌توان این امور را به «امور اجتماعی» اطلاق نمود که اداره‌ی امور جامعه از هر نظر به آنها بستگی دارد. و اگر این امور تعطیل بماند زندگی اجتماعی فلج می‌شود. (موسوی الخمینی، روح الله، «کتاب البیع»، ج 2، ص 497 و نائینی، محمدحسین، «المکاسب البیع»، ج 2، ص 334؛ خوانساری، احمد، «جامع المدارک»، ج 2، ص 98) مهمترین این امور عبارتند از: امر به معروف و نهی از منکر، حل منازعات بین مسلمین، نشر خوبیها و مبارزه با مظاهر فساد، نظاظرت بر امور مردم و جلوگیری از تجاوزات، حفظ اموال ایتم، رسیدگی به امور مستضعفان و افراد بی‌سرپرست، مدیریت اموال محجورین مانند ایتم و دیوانگان، ساختن مساجد، امامزاده‌ها، تکیه‌ها و ....

گاهی این امور زیر نظر مستقیم ولایت اداره می‌شوند و گاهی زیر نظر نماینده‌ی ولایت مسلمانان. در صورتی که چنین شرایطی فراهم نباشد مسلمانان خود موظفند بر اداره‌ی چنین امور اقدام کنند. به همین جهت گاهی این امور را جزء واجبات کفائی دانسته‌اند.

بنابراین یکی از سرمایه مهم اجتماعی که می‌تواند نقش بارزی در اعتماد و امنیت اجتماعی داشته باشد، اجتماعات مسلمانان است. ولایت امر مسلمانان خود از سرمایه‌های معنوی مسلمانان است که مستقیماً در این مورد نظارت می‌کند و در صورت عدم دسترسی به این سرمایه، اجتماعات مسلمانان موظفند در این مورد اقدام کنند.

در مباحث حقوقی قضای تحکیم که خود از سرمایه‌های مردمی است و موارد ارجاع امر به قاضی تحکیم در ماده 6 قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب قید گردیده است نیز در بحث منازعات می‌تواند نقش مهمی را بازی کند امروزه مردان با تجربه و مورد اعتماد جامعه، کدخدایان و ریش سفیدان محلی، علماء و روحانیانی که در مناطق متعدد مسلمانان، محل رجوع عموم هستند از سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند همچنین شوراهای حل اختلاف نیز نمونه دیگری از کاربرد افراد شاخص در حل و فصل دعاوی می‌باشد که در اجرای ماده 189 و 134 قانون برنامه سوم و چهارم توسعه تأسیس و تنفیذ شده و نقش بسیار

سازنده‌ای در مشارکت حداکثری و تأمین امنیت پایدار داشته است و همچنین است نهاد داوری در قانون آئین دادرسی مدنی مواد 454 تا 501 و توصیه به اصل میانجی‌گری در ماده 189 تصریح شده است و ادله مشروعیت راهبردهای حقوقی فوق در کتاب و سنت بسیار است.

6- اجتماعات در مسیر مرابطه و همکاری توصیه شده‌اند. یا ایها الذین آمنوا إصبروا و صابروا و رابطو و اتقوا الله لعلکم تفلحون» منظور از إصبروا، صبر فرد فرد افراد جامعه است و «صابروا» به معنای توصیه همدیگر به صبر و بردباری و مقاومت در مشکلات است و «رابطو» توصیه به پیوندهای اجتماعی و ضرورت گرایش به رابطه و تشکیل اجتماعات مرتبط در مسیر رسیدن به اهداف می‌باشد.

7- توصیه به اجتماعات در مبارزه با منکرات و ترویج هنجارها و ارزش‌های دینی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر که ابعاد گسترده‌ای در فرهنگ دینی دارد و تمام منابع فقهی بدان پرداخته‌اند نمونه‌ی بارزی از توصیه به مسلمانان و بلکه مکلف شدن مسلمانان به مبارزه با فساد و ریشه‌های ناامنی و توصیه به ارزش‌ها و اسباب فراهم کننده امنیت است. جرم و فساد به اشکال مختلفی در جامعه ظهور می‌کند از زیر پا گذاشتن و بی‌توجهی به الزامات و واجبات شرعی تا تخلف از حقوق و محدوده‌ی مجاز خود و تجاوز و تعدی به حقوق و حریم امن دیگران را شامل می‌شود. از تهدید فضای امن داخلی تا ایجاد فضای جسارت دشمنان در مرزها می‌شود دزدی، راه زنی، ارتکاب و ترویج مفاسد اخلاقی و ... همه و همه اسباب مختلفی هستند برای باز کردن باب ناامنی در جامعه گاهی اموری مثل سرقت از راه نیاز و ضرورت است و یا ارتکاب شهوات و فساد امری فردی و پنهان است که احکام خاص خود را دارد اما گاهی عمدی و به قصد تجرّی به ارزش‌ها و اشاعه‌ی فحشاء است. در هر دو صورت در قرآن و احادیث و منابع فقهی و حقوقی چهار راه کار عملی به عنوان تکلیف مسلمانان تدوین و اعلام شده است.

1- امر به معروف و نهی از منکر، که رسالت بزرگ افراد و مجتمعات انسانی است و به عنوان سرمایه‌ی بزرگ اجتماعی وارد شده و ریشه مبانی فساد را بخشکانند. امر به معروف یعنی توصیه به انجام اوامر الهی و نهی از منکر یعنی توصیه به ترک محرمات. قرآن در این مورد می‌فرماید: وَلَنُكْنِمَنَّكُمْ امَةً يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... (آل عمران/104) باید اجتماعی از میان شما باشد که به خیر دعوت کنند، امر به معروف و نهی از منکر.

فقهائاً عموماً بحث مفصلی را، در مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و مراتب آن آورده‌اند که بیانگر اهمیتی است که اجتماع و افراد آن در این امر مهم دارند. (مفید، محمد، «المُقتنعه»، ص 808 و طوسی، محمد، «النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی»، ص 299 و حلی، جعفر، «همان»، ج 1، ص 310 و موسوی خمینی، روح الله، «تحریر الوسیله»، ترجمه: علی اسماعیلی، ج 2، ص 284)

حضرت امام (ره) در تحریر الوسیله، در تولی این امر چند مورد از سرمایه‌های اجتماعی را نام می‌برد: 1- امام مسلمین که سرمایه‌ی معنوی و نصب پیامبر (ص) و از جهت جایگاه علمی و شایستگی دینی مؤظف به اجرای امور سیاسی و متولی امور مختلف عام مردم است. 2- نائب امام از جهت نصب امام (ع) معتبر است. 3- مراجع و فقهاء علاوه بر نصب از طرف امام (ع) از جهت جایگاه فقهی و عالمانه خود سرمایه معنوی محسوب می‌شود. 4- مردم به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی.

2- مبارزه با محاربین و مفسدین و بر هم زندگان امنیت عمومی مردم: فساد ضد اصلاح ست. الذین یفسدون فی الارض و لا یصلحون (شعراء/51) شورش بر علیه اخلاق، اقتصاد، امنیت و تلاش و یا فرهنگ مردم است. هر اقدامی که خلاف مصالح مردم باشد.

قرآن در آیات بی‌شمار هر نوع اقدام ضد امنیتی و فساد بر انگیز را محکوم می‌کند. وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره/205)

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (بقره/)

قرآن سپس از هر نوع تحرکات ضد امنیتی منع می‌کند. لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا (اعراف/56) و لَا تَغْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (اعراف/74)

و بالاخره ضمن توصیه به اجتناب از آنها «لَا تُطِيعُوا اِمْرَالْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» مردم را به تعقیب و مجازات مفسدین در زمین تحریک می‌کند. فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ... (هود/116)

و بالاخره مجازات آنها را مبارزه تا مجازات آنها می‌داند. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا... إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

فقهائ باب وسیعی در باب احکام محارب و مفسدین در زمین باز کرده و احکام آن را بیان نموده‌اند. (عاملی، محمد، «روضه .....»، ج 2، ص 171، حلی، جعفر، «همان»، ج 2، ص 167)

3-دفاع مشروع: دفاع مشروع نوعی قدرت بازدارنده است که به موجب آن حق انجام عملی برای شخص بر علیسه دیگری وجود دارد تا خطری حقیقی و غیرمشروع که در حال فعلیت یافتن است (نه خطر احتمالی) را دفع کند. فرقی نمی‌کند این خطر مال، عرض و ناموس یا جان انسان را هدف کرده باشد و شخص مدافع مسلمان باشد یا کافر ذمی. (جنگ دفاع در اندیشه امام خمینی: 1383، دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام، ص 27)

دفاع مشروع از نظر حقوقی حالتی است که انسان مورد تجاوز قرار گرفته است و فرصت توسل به قوای دولتی برای دفع آن نداشته باشد. (حقوق بین الملل، دفاع مشروع، ص 23)

اجتماع مسلمانان موظفند در مواقع تهدید و وقوع خطر برای فرد یا کیان مسلمانان به دفاع مشروع بپردازند. خواه این تهدید داخلی باشد یا خارجی.

آحاد مردم نیز مکلفند در مقام تهدید جان و مال و ناموس خود به دفاع بپردازند. این دفاع از آن جهت که از طرف شریعت و قانون مجاز شمرده شده است بدان دفاع مشروع می‌گویند. جلوه‌های سرمایه‌های اجتماعی در این زمینه امروزه در بسیج مردمی علیه شورش‌های داخلی یا خارجی.

فقه اسلامی دفاع مشروع را وظیفه شرعی آحاد اجتماع و همه مردم قرار داده است (موسوی الخمینی، روح الله، «تحریر الوسیله»، ج 2، ص 326 و عاملی، محمد، «اللمعة الدمشقیة»، ج 2، ص 173) لذا کانون‌های مردمی در موارد احساس خطر به عنوان سرمایه‌های ارزشمند دفاع خواهند بود.

4-جهاد با دشمنان برون مرزی: اسلام همواره در پی تدمین صلح و امنیت است اما ممکن است شرارتهایی و تهدیداتی وجود داشته باشد و مهمترین تهدید، تهدید خارجی است که گاهی از طریق توطئه و جاسوسی و تبلیغات رسانه‌ای و ... صورت می‌گیرد اما گاهی به صورت عملیات نظامی و جنگی علیه مرزها و خاک سرزمین اسلامی اتفاق می‌افتد. در چنین موردی فقه اسلامی با استنباط از آیات و روایات جهاد و پیکار را مطرح نموده است. در جهاد مهمترین عامل توفیق و غلبه بر دشمن حضور گسترده سرمایه اجتماعی یعنی مردم هستند. مردم با استقامت، همکاری با حاکمیت و حضور در صحنه‌های مختلف تولید و پشتیبانی و حضور در جنگ و نیز صبر و پایداری می‌تواند نقش مهمی را در شکست دشمنان ایجاد کند. در آیه 111 سوره‌ی خطاب قرآن به جمعیت مؤمنین است که «کسانی که شخصاً یا با ارسال اموال خود در جهاد شرکت می‌کنند با خدا معامله کرده‌اند و به آنها وعده داده است که کشته شوند یا بکشند در هر دو صورت پاداش آنها بهشت است». این آیه تحریض و تشویق عموم مسلمین است که در مقابل تعرض به امنیت ملی نباید ساکت بنشینند. در آیه‌ی دیگری خداوند «مردمی که به صورت صفوف مستحکم و پا برجا در مقابل دشمن می‌ایستند را دوستان خود معرفی می‌کند. (صفه/4)

از زبان امام علی(ع) آورده شده که فرمودند: «خداوند عزوجل جهاد را واجب کرده و آن بزرگ شمرده است». و فرموده به خدا سوگند که دنیا و دین جز با جهاد اصلاح نمی‌شود. (فروع کافی، ج 5، ص 8) بر همین اساس فقهاء نیز جهاد را بر عموم مسلمین واجب دانسته و در مواقع تهدید کیان اسلام بر همه‌ی توده‌های مسلمانان واجب است در جهاد داشته باشند. بسیج مردمی نمونه بارزی از سرمایه‌ی اجتماعی است که در امر جهاد بزرگترین نقش را در پشتیبانی از جنگ و حضور در صحنه‌های جنگ برای ایجاد امنیت ایفاء می‌کند.

کلام فقهاء: امام خمینی در این باره می‌فرماید: ما میل داریم همه‌ی کشورها در صلح و آرامش باشند» ما معتقد به صلح انسانی و الهی هستیم و با هیچ کشوری چه اسلامی و چه غیر اسلامی سر جنگ نداریم... اما در جایی که شرارت و ناامنی باشد امام از سرمایه اجتماعی مردمی را به میدان فرا می‌خواند و از شهادت و دفاع و جنگ سخن می‌گوید: «ما الآن هم صلح را می‌خواهیم به شرط آن که آدم متجاوز سر جایش بنشیند. ملت ما ایستاده و در صحنه است تا به خواسته‌های مشروع خود دست یابد». (صحیفه‌ی نور، ج 5: 418) امام در این بیان ملت و اجتماعات مردمی را صحنه گردان جنگ معرفی می‌کند. امام در مورد بسیج مردمی می‌فرماید: «راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود کسی جرأت این همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله(ص) داشت؟» (پیام امام در سالگرد کشتار خونین مکه)

### سرمایه‌های اجتماعی در حوزه‌ی اقتصادی

از آنجا که چه بسا ریشه‌ی بسیاری از ناامنی‌های داخلی و جرائم مولّد ناامنی فقر و مشکلات اقتصادی و فاصله‌های طبقاتی است. اسلام و فقه اسلامی سرمایه‌هایی را در این حوزه معرفی و اجتماعات اسلامی را در مسیر مشارکت عمومی در این موارد دعوت می‌کند. اهم این موارد عبارت است از:

1- انفاق و دستگیری از مستمندان و نیازمندان: وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (بقره/195) در قرن بیش از 80 آیه به ترویج فرهنگ انفاق و دستگیری و احسان به مستمندان پرداخته است و آن را از صفات پرهیزگاران می‌داند. (بقره/2)

پیغمبر خدا(ص) فرمودند: الصدقة نکسر ظهر الشیطان (قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج 2، ص 24) = صدقه(انفاق) کمر شیطان را می‌شکند. مراد از شیطان هر نوع عامل تفرقه، آشوب، انحراف و عامل ایجاد کننده ناامنی و تهدید کننده آسایش عمومی است. (بقره / ..... ) امام صادق(ع) فرمودند: هر چیزی کلیدی دارد کلید روزی صدقه است. (کافی، ج 4: 43)

2- قرض به نیازمندان: یکی از مباحث فقه اقتصادی مسلمانان بحث قرض، احکام و مقررات آن و نیز ارزش و ثواب آن است. (طوسی، محمد؛ «النهاية فی مجرد الفقه و الفتوی»، ص 311) فقهاء آورده‌اند که ثواب قرض ده برابر است. در قرآن آمده است: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (بقره/ 245 و تغابن/ 17). در آیه 12 سوره‌ی مائده توصیه قرآن به قرض بر آن است که «قرض به مردم نیازمند» در واقع معامله و قرض به خدا است که نتیجه‌ی آن بخشش و آمرزش گناهان است.

3- پرداخت زکات و خمس: زکات و خمس دو مالیات مخصوص است که از طرف شریعت بر اموال بسته شده است. موضوع زکات غلات اربعه(گندم، جو، کشمش، خرما)

و انعام ثالث(گاو، گوسفند، شتر) و نقدین(طلا و نقره مسکوکه) است(نجفی، محمدحسین، «جواهرالکلام»، ج 15، حکیم، محسن، «مستمسک العروه»، ج 9، کرکی، محقق، «جامع المقاصد»، ج 3)

و خمس عبارت است یک پنجم درآمد مازاد بر هزینه در هر نوع فعالیت تجاری است. (راغب، حسین، «المفردات فی فقه القرآن»، ص 650 و طوسی، محمد، «تهذیب الاحکام»، ج 4: 125)

در منابع فقهی بحث زکات و خمس را در فقه اقتصادی آورده‌اند و احکام و مقررات به آن را به وضوح بیان نموده‌اند. انگیزه أخذ این مالیات بر دارائی مردم اولاً: بدست آوردن منابع مالی برای حاکم شرع و ولی امر مسلمانان است تا بتواند از این طریق اقشار مستضعف و نیازمند را حمایت کند. ثانیاً: در حوزه‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی دینی و ترویج فرامین اسلامی در میان مسلمانان و

غیرمسلمانان و هزینه گردد. ثالثاً: در مسیر تعلیم و تربیت مبلغین دینی مورد استفاده قرار گیرند. و بالاخره: فاصله‌ی طبقاتی جامعه را مدیریت نمایند.

این دو از مهمترین سرمایه‌های اجتماعی در حوزه‌ی اقتصادند که از طرف دین اسلام تشریع شده است. نکته: ناگفته نماند وضع خمس بر درآمد خاص تفکر شیعی و به تبعیت از تفسیر ائمه (ع) از آیه خمس در قرآن (انفال/21) و روایات آنهاست. ولی زکات نه تنها در اسلام که در همه‌ی ادیان آسمانی مورد تأکید و از واجبات تلقی می‌شده است. در اسلام زکات به عنوان یکی از فروعات دینی و از ارکان مهم فروعات دین است. قرآن؛ پرداخت زکات و اقامه‌ی نماز را از اوصاف انبیاء شمرده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هیچ محتاج و گرسنه و برهنه‌ای در جامعه وجود نخواهد داشت مگر به سبب گناهان اغنیاء». (الوافی، ج 10: 50)

پیغمبر (ص) فرمودند: «زکات پل اسلام است هر کس آن را پرداخت کند از آن می‌گذرد و هر کس آن را منع کند به سبب آن محبوس است و زکات خشم پروردگار را خاموش می‌کند». (شرایع الأسلام، ج 1: 107؛ شرح لمعه؛ ج 1: 13) به هر حال خمس و زکات از سرمایه‌های مهم اجتماعی محسوب می‌شوند که در مسیر از بین بردن فقر و زمینه‌های تهدید کننده امنیت بسیار مؤثر می‌باشند.

4- توصیه به تعاون و مساعدت بر خوبیها و مجاری تقوا: یکی از قواعد مهم فقه اسلامی قاعده‌ی «تعاون بر برّ و عدم تعاون بر اثم» است. که برخواسته از آیه‌ی شریفه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» است. (مائده/ 2 و 12) این آیه‌ی شریفه هم در مقام توصیه به خیر در حوزه‌ی اقتصاد است و هم توصیه به خیر در حوزه‌ی فرهنگ و اندیشه است. برّ: نیکوکاری- تقوی: پرهیزگاری و آنچه موجب قرب الهی می‌شود اِثم: گناه و عدوان: تجاوز و تعدّی است. که دو مورد اوّل از مباحث زمینه ساز امنیت و دو مورد دوم از مصادیق تهدید کننده امنیت است.

قرآن مجتمعات مسلمانی را توصیه می‌کند به اینکه همدیگر را در امور خیر یاری دهند و در امور تهدید کننده امنیت و انحرافات اخلاقی و رفتاری مساعدت نکنند. این یک قاعده کلی است که فروعات زیادی بر آن مترتب است. ضرورت مساعدت فقراء، نیازمندان و برّ و نیکوکاری در این زمینه تأسیس مؤسسات خیریه برای کمک به مردم، یاری همدیگر در سختی‌ها مانند سیل، زلزله، جنگ، قحط سالی و .. ضرورت اجتناب و پرهیز از همکاری با ستمگران، متجاوزان، تروریست‌ها، محارب‌ها، اهل فسق و فجور، و سوداگران مرگ، قاچاق چپان حرفه‌ای که سلامت و امنیت مردم را در حوزه‌های مختلف تهدید می‌کنند.

این قاعده فقهی تکمیل کننده رسالت انسانها در حوزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است. یعنی رسالت اجتماعات و افراد انسانی تنها آن نیست که در کلام و شعار تبلیغات مردم را به معارف دین و راه‌های رستگاری فرا خوانند و از منکرات بر خذر دارند بلکه عملاً نیز باید با تشکیل تعاونی‌ها و مجتمعات خیریه و گروه‌های حمایتی مردم با حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعی در این زمینه دستگیری کنند.

ارزش دین مبین اسلام و فقه اسلامی به نقش سرمایه‌های اجتماعی تا جایی است که در مبانی استنباط احکام اجتماعات فقهاء، سیره‌ی عقلاء، عرف و سیره عرفی، و رویه‌های عمومی را در مواردی با شریطی خاص در استنباط احکام و راه‌حل‌های قانونی و حقوقی در مسیر حل مشکلات حقوقی و شرعی جامعه مهم و معتبر می‌داند.

ب) اعتماد

عنصر دیگر در سرمایه‌ی اجتماعی اعتماد است. اعتماد در لغت به معنای تکیه کردن، واگذاشتن کاری به کسی، اطمینان، وثوق و باور است. (لغت نامه دهخدا، فرهنگ فارسی عمید) و در اصطلاح عبارت است از باور قوی به صداقت، توان، گفتار یا ادعای دیگری است. (کیا و نادرپور، 1392: 78)

اعتماد یک احساس درونی است که ممکن است متعلق آن توان و استعداد‌های خود شخصی است که اعتماد در او شکل گرفته است. یعنی این که انسان به تواناییهای خود برای آغاز و اتمام کاری باور قوی داشته باشد. چنین موردی را اعتماد به نفس

می‌گویند. که ممکن است ناشی از نوع شکل‌گیری شخصیت فرد از دوران کودکی و شیوه‌های تربیتی او باشد. که به صورت تدریجی و تحت تجربیات دوران کودکی برای همیشه ماندگار شده است. نیز ممکن است ناشی تلاش، ممارست و دانش افزایشی باشد. به این معنا که انسان تحت تأثیر آموزش و ممارست تواناییهایی در خود ایجاد کرده باشد که بدان باور پیدا کرده است. مانند اعتماد یک ورزشکار به انجام حرکات نمایشی در خود.

اما اعتماد یک بعد دیگری نیز دارد. اگر متعلق اعتماد دیگران باشند. این اعتماد به غیر است. اعتماد به دیگری قطعاً ناشی از انعکاسات اعمال و رفتار طرف مقابل است (قدیمی، مهدی، «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن...»، ص 331) خواه متعلق این اعتماد رفتار یک فرد باشد یا رفتار جمعی.

اعتماد اعضاء جمع به یکدیگر تنها عامل دوام مشارکت جمعی و تداوم رابطه‌ی جمعی است. در این مورد اعتماد یک سوپه هرگز نمی‌تواند ضامن تداوم رابطه‌ی جمعی باشد.

میزان موفقیت اجتماع در اهداف اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و ... بسته به میزان اعتماد متقابل اعضاء گروه به یکدیگر است. این یک رابطه مستقیم است. تا آنجا که به نقل از نیوتن گفته شده شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در یک جامعه موجب توسعه‌ی و رشد شتابان اقتصادی، افزایش بازده رونق اقتصادی، فراهم شدن سود عمومی، ثبات دموکراسی و توسعه و حتی تندرستی و افزایش امید به زندگی است. (همان، ص 329)

قرآن کریم ضمن توصیه به مردم در مورد اعتماد به نفس داشتن «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسُكُمْ...» (مائده/105) اعتماد به نفس را رمز توفیق و افزایش توان قلمداد فرموده است. «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره/249) «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَغْلَى» (آل عمران/139 و 138) قرآن در این آیه شریفه مؤمنین را به خودباوری تحریض و تحریک می‌کند.

امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان همین بس که ارزش خود را نداند». (نهج البلاغه/خطبه 103). نیز فرموده است: «هر کس خود را بلند نگرداند به اوج و نعمت نرساند، کسی او را بلند نخواهد کرد». (نهج البلاغه/خطبه 114)

اعتماد به نفس رمز داشتن یک زندگی شاد و اعتماد به اجتماع پیرامون و اطراف محل زندگیمان رمز پیدایش آرامش و امنیت است.

در مورد ضرورت اعتماد اجتماعی قرآن با دادن محور وحدت و ملاک آن را ضروری می‌شمارد. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». (آل عمران/103) یعنی با تفکر و اندیشه‌ی واحد و اعتماد بخدا دور هم گرد آئید و بهم دیگر پیوند بزنید. مضمون این آیه شریفه را در کلام حضرت امام علی (ع) می‌توان به راحتی دریافت «از هیچ قدرتی نترسید وقتی خدا با شماست همه چیز با شماست».

#### شرایط شکل‌گیری اعتماد

برای تحقق اعتماد شرایطی لازم است که رمز تحقق آن و موفقیت اجتماعات و گروه‌های اجتماعی است. از نظر برنارد بار بر عوامل اعتماد عبارتند از: الف) اعتماد به صداقت، درستی و پایبندی بر اصول اخلاقی ب) اعتماد به کارایی و کارآمدی یا توانایی اجرای وظایف محوله نقش ج) ترجیح منافع جمعی به منافع فردی. (هزار جریبی، جعفر و همکاران، «بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان» (فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، زمستان 1388)

دیوید جانسون مبانی اعتماد را «صراحت و باز بودن، سهیم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری جوانه، رفتار مبتنی بر اعتماد و قابل اعتماد» می‌داند. (بختیاری، مهدی، «نظریه‌های اعتماد اجتماعی»؛ مقالات علوم انسانی و اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم: 1393)

برخی مبانی شکل‌گیری اعتماد و تقویت آن را در وابستگی‌های عاطفی می‌دانند. (چلبی، مسعود، «جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظریه‌های نظم اجتماعی»، ص 249)

## شرایط ایجاد و تقویت اعتماد در منظر اسلام

از نظر اسلام و منابع اسلامی مهمترین عوامل شکل گیری اعتماد و تقویت و بقاء آن عبارت است از: 1- ایمان و تقوا: ایمان به خدا و وحدانیت او شرط مسلمانی است که ضمانت سلامتی نفس و اجتماع از آلودگیها و انحرافات و خیانتها است. ایمان یعنی آن که انسان خود را تسلیم خدا و موظف به انجام فرامین خدا نماید. نوعی علاقه شدید الهی و معنوی است. اصلی ترین عامل شکل گیری امنیت در جامعه اعتقاد به خدا و پاداش و مجازات در اعمالی است که انجام می‌دهد. «الا بذکر الله تطمئن القلوب» یعنی پایه‌ی امنیت فردی و اجتماعی ایمان است. با ایمان بخدا انسان قانع می‌شود و از حرص و آزبر حذر می‌ماند پس خود آرامش می‌یابد جامعه هم از دست برد او آرامش می‌یابد.

2- تقوا: در قرآن حدود 300 آیه در مورد سفارش به تقوا و آثار دنیوی و اخروی آن آمده است. تقوا به معنای حفظ و صیانت و نگهداری نفس از تعدی به حدود و حقوق دیگران است. تقوا همه انسان به خودداری از محرمات و موانع شرعی تحریک می‌کند و هم به انجام وظایف شرعی و انسانی خود در مقابل خود و دیگران تحریض و تشویق می‌کند. بنابراین پایه‌ی دوام روابط اجتماعی بعد از ایمان بخدا رعایت تقوا است که قرآن بدان سفارش نموده است. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا». (طور/22 و غافر/45) «وَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده/100). مراد از رستگاری موفقیت در امور دنیا و آخرت است.

3- صداقت و راستگویی: دروغ از خطرناک‌ترین عوامل بهم ریختن اعتماد عمومی است و راست‌گویی و صداقت از مهمترین عوامل تحکیم است. از نظر آیات و روایات دروغ کلید گناهان است. و صداقت عامل اعتماد و ازمینان است و مکرر در قرآن و روایات سفارش شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/119) در قرآن نشانه‌ی صادق بودن را ایمان به خدا و آخرت، برّ و نیکوکاری، از خودگذشتگی و ایثار رسیدگی به امور یتیمان، نیازمندان، و صبر و بردباری در امور و مجاهده به جان و مال دانسته است (آیات 177 بقره و 15 حجرات)

4- اخلاص و درستکاری: اخلاص روی دیگر صداقت است. یعنی در اعمال و رفتار خود صادق و خالص باشد. مشارکت در صورتی دوام خواهد یافت که هر یک از اعضاء بتوانند نسبت به دیگران صداقت داشته باشند. خدعه و غرر و بیرنگ و خیانت به اعضاء دیگر اعتماد اجتماعی را متزلزل خواهد ساخت. آیات و روایات در این باب فراوانند.

5- تلاش و پشتکار توأم با ایثار و گذشت: دوام سرمایه‌ی اعتماد و گروه شکل یافته بر اعتماد بدان است که هر یک از اعضاء برای تحقق آرمان مشترک تمام تلاش و کوشش خود را به کار گیرد. اهمالی و قصور هر یک از اعضاء سبب تزلزل پیوندهای اشتراک و اجتماع خواهد شد. رسول خدا(ص) در سفارش به امام علی(ع) می‌فرماید: «ای علی از دو چیز دوری کن: آزردن خاطر کردن دیگران، تنبلی» (کلینی، محمد، «کافی»، ج 5، ص 71 و صدوق، محمد، «من لا یحضر بالفقیه»، ج 4، ص 355) مبنای سرمایه اجتماعی بر ایثار و خودگذشتگی استوار است. در این مورد آیات و روایات فراوانی وجود دارد. «... وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر/9)

6- آگاهی و شناخت: شناخت اهداف گروه، مقررات و ضوابط گروه و عوامل مؤثر بر تداوم مشارکت مهم و حائز اهمیت است. در قرآن آمده است: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/9)

7- پایبندی و وفای به عهد و پیمان: اصل التزام به تعهدات و عقود و پایبندی به تعهدات از اصول اساس فقه اسلامی در تمام عقود و ایقاعات است. بخش اعظم فقه اسلامی در باب عقود و تعهدات است. معاملات، ضمانات، مرادات، و روابط اجتماعی بر هر تعهد و قراری مستقر شد بر افراد گروه موظف و طرفین معاملات و مرادات لازم است که پای اصل لزوم و التزام به تعهدات باقی بمانند. مشارکت جمعی برای بقای خود نیازمند پایبند بودن اعضاء شرکت به تعهداتی است که به همدیگر می‌سپارند. خداوند ضمن آن که پایبندی به پیمان را از صفات خود می‌شمرد «فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ» (بقره/80) مؤمنان را به پایداری دعوت می‌کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/1) «وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام/152)

از نظر قرآن از صفات مؤمنان آن است که به امانات و پیمانها پایبند باشند «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون/8)

و حق تعقیب کسی که عهد را شکسته است صادر فرموده است: «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (إسراء/ 34) منظور از مسئول، بازخواست و تعقیب عهد شکن است. عقودی همچنن وکالت، ضمانت، امانت و ودیعه، عاریه، شرکت، مضاربه، مساقات، مزارعه، کفالت، ... مبتنی بر اعتماد متقابل افراد اجتماع در جامعه است.

8- مسئولیت پذیری، رعایت اصل مشورت و خودداری از خود رأی، خوش اخلاقی در مواودات با جمع، سعی صدر، ادب در سخن گفتن، نوع دوستی و ... از عوامل متعدد تأمین اعتماد و دوام مشارکت و سرمایه‌های اجتماعی است.

عوامل ذکر شده به عنوان هنجارهای اجتماعی از منظر فقه اسلامی و دین مبیت اسلام است رفتار براساس این هنجارها می‌تواند ضمانت تحقق سرمایه‌های اجتماعی و تأثیرگذاری آنها در توسعه‌ی همه جانبه جامعه به ویژه تأمین امنیت اجتماعی را فراهم سازد.

## منابع و مأخذ

1. آشوری، داریوش، «دانشنامه سیاسی»، تهران: انتشارات مروارید، چاپ 27، سال 1398 ش.
2. ابن ابی شیمه، ابوبکر عبدالله، «المصنف»، الرياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، 1387 ش.
3. بختیاری، مهدی، «نظریه‌های اعتماد و اجتماعی»، قم: پژوهشکده باقرالعلوم، سال 1393 ش.
4. تمیمی آمری، عبدالواحد، «غررالحکم و ذرر الکلم»، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامی، بی‌جا: بی‌تا.
5. جیمز، کلن، «نقدنامه علوم اجتماعی»، تهران: نشر نی، ترجمه: منوچهر صبوری، بی‌جا، سال 1377 ش.
6. چلبی، مسعود، «جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظریه‌های اجتماعی»، تهران: نشر نی، چاپ نهم، خردادماه 1395 ش.
7. حکیم، محسن، «مستمسک العروه»، قم: مؤسسه دارالتفسیر، چاپ چهارم، سال 1391 ش.
8. حلی، جعفر، «شرایع الاسلام»، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، سال 1409 ق.
9. حلی، یوسف، «نهایه الاحکام»، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم، سال 1410 ق.
10. خوانساری، احمد، «جامع المدارک فی شرح المختصر»، تهران: مکتبه الصدوق، چاپ اول، سال 1355 ش - 1405 ق.
11. راغب اصفهانی، حسین، «المفردات فی الفاظ القرآن»، دمشق-بیروت: دارالعلم، چاپ اول، سال 1416 ق.
12. صدوق، محمد، «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال»، تهران: انتشارات رضی، چاپ دوم، سال 1368 ش.
13. طوسی، محمد، «المبسوط فقه الامامیه»، تهران: المکتبه المرتضویه، چاپ اول، سال 1387 ق.
14. طوسی، محمد، «تهذیب الأحکام»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، سال 1365 ق.
15. طوسی، محمد، «النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی»، بیروت: انتشارات دارالکتب العربی، چاپ دوم، سال 1400 ق.
16. عامل، زین الدین، «روضه البهیة فی شرح لمعة الدمشقیة»، قم: ناشر داودی، چاپ اول، 1410 ق.
17. عاملی، محمد، «لمعة الدمشقیة»، قم: انتشارات دارالفکر، چاپ دوازدهم، سال 1378 ش.
18. فصیحی، امان الله، «دین و سرمایه‌های اجتماعی»، مجله معرفت، شماره 123، سال 1386 ش.
19. فوکویاما، فرانسیس، «سرمایه‌های اجتماعی و حفظ آن»، ترجمه: غلامعباس توسلی و همکاران، مجله فرایند مدیریت توسعه، دوره 24، ش 75، بهار 1390 ش.
20. فیض کاشانی، محمدحسن، «الوافی»، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین(ع)، چاپ اول، سال 1407 ق.
21. کلینی، یعقوب، «اصول و فروع کافی»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، سال 1407 ق.
22. کیان، تاجبخش، «جامعه برخورد، سرمایه‌های اجتماعی و زندگی عموم»، قم: پژوهشکده علوم اسلامی، سال سوم، شماره سوم، پاییز، 1388 ش.
23. معین، محمد، «فرهنگ فارسی»، تهران: انتشارات ساحل، چاپ سوم، سال 1384 ش.
24. مفید، محمد، «المقنعه»، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، سال 1410 ق.
25. موسوی خمینی، روح الله، «تحریر الوسیله»، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، سال 1404 ق.
26. موسوی خمینی، روح الله، «توضیح المسائل»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، بی‌جا، سال 1391 ش.
27. موسوی خمینی، روح الله، «صحیفه‌ی نور»، تهران: مرکز مدارک انقلاب اسلامی، چاپ اول، سال 1369 ش.
28. موسوی خمینی، روح الله، «کتاب البیع»، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، 1368 ش.
29. نائینی، محمدحسین، «تنبیہ الأئمة و تنزیه الملة»، تهران: المکتبه المرتضویه، چاپ اول، سال 1387 ق.
30. نائینی، محمدحسین، «مکاسب و البیع»، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، سال 1413 ق.

31. نجفی، محمدحسین، «*جواهر الکلام*»، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، سال 1365 ش.
32. نویدنیا، منیژه، «*امنیت و سرمایه اجتماعی*»، مجله: مطالعات راهبردی، شماره 44، سال 1388 ش.
33. هزار جریبی، جعفر و همکاران، «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، اصفهان: فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، زمستان، 1388 ش.